

نسبت «اخلاق» و «احکام» در تفسیر «زبدۃ البیان» مقدس اردبیلی

محمدعلی مشایخی پور*

چکیده

تفسیر زبدۃ البیان فی الاحکام القرآن اثری غنی و گرانبار از مقدس اردبیلی است، که در زمینه موضوعی آیات الاحکام به رشته تحریر در آمده است. از آنجا که تعالیم و حیانی که در قالب موضوعات فقه و اخلاق و عقاید قرار می‌گیرند، بواسطه کارکردهایی که بر یکدیگر دارند در کنارهم و در تعامل با یکدیگر زمینه رشد و تعالی انسانی را فراهم می‌سازند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که میزان توجه مفسران و عالمان دین در باره پرداختن به ارتباط و تعامل این حوزه‌ها چگونه است؛ به عبارت دیگر نسبت فقه، اخلاق و عقاید در مباحث آنان به چه میزان است؟ این تحقیق درصداً با نگاه به تفسیر زبدۃ البیان مقدس اردبیلی نسبت اخلاق و احکام را در این اثر مورد سنجش قرار داده و میزان توجه به جنبه اخلاقی آیات الاحکام را بررسی و در پایان این توجه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: آیات الاحکام، نسبت اخلاق و احکام، زبدۃ البیان، مقدس اردبیلی.

بیان مسئله

بدون تردید بازسازی و تعالی شخصیت معنوی آدمی، هدف اصلی همه رسولان الهی بوده است. در قاموس مصلحان آسمانی برای علومی که بی واسطه در خدمت این آرمان مقدس نباشند، کارکردی ابزاری تصویر شده است. اسلام که مجموعه‌ای از احکام، اخلاق و عقاید است در تمامی برنامه‌های خود تکامل روحی و معنوی انسان‌ها و رسیدن او به بالاترین و والاترین مراتب را مد نظر قرار داده است.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس دانشگاه قرآن و حدیث.

اخلاق به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی اسلام موضوعی است که از دیرباز و در طول تاریخ بشر، ذهن اندیشمندان زیادی را به خود مشغول کرده است. ادیان الهی در دعوت‌های خویش، هدایت و تربیت اخلاقی انسان‌ها را هدف اصلی برشمرده و برای رسیدن به این مقصود با توجه به مبانی خود، تعالیم ویژه‌ای را عرضه کرده‌اند. اسلام نیز در تمام شئون زندگی و براساس مبانی خاص خود، آموزه‌های بسیاری در این زمینه ارائه نموده؛ به گونه‌ای که هر پژوهشگر حقیقت جو با اندک کنکاشی در منابع اولیه اسلام، اخلاق محوری را در تار و پود تعالیم آن آشکارا نظاره خواهد کرد؛ تا آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف از بعثت خود را تکمیل مکرمت‌های اخلاقی بیان فرموده‌اند.

رشد و تعالی همه جانبه انسان از نیازهای اساسی وی است و انسان در پرتو تربیت صحیح به کمال مطلوب خویش نایل می‌آید. از سوی دیگر، شریعت و بُعد عملی آن یعنی احکام جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسانی دارد و با مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، زندگی او را احاطه کرده و به اعمال و افعال او جهت می‌دهد. با این اوصاف احکام و اخلاق دو عرصه مهمی هستند که نقش برجسته‌ای در زندگی فرد مسلمان ایفا می‌کنند؛ از سوی دیگر احکام، اعم از الهی و بشری، جز با نیروی پرتوان اخلاق تجلی عملی پیدا نمی‌کند و عامل قدرت تنها یارای نهادینه سازی عمل به آنها نیست؛ به بیان دیگر اخلاق زمینه را برای اجرای تکالیف شرعی و قانونی اعم از عبادات و معاملات و احکام و قوانین مدنی و اجتماعی فراهم می‌آورد و جامعه انسانی منهای اخلاق از هویت تهی می‌شود و تنها با زور و ارعاب و خشونت به طور نسبی امکان اجرا خواهد داشت.

از آنجا که نظام فقهی - اخلاقی اسلام از منبع وحیانی واحد نشأت گرفته و از یک سرچشمه سیراب می‌شوند و هر دو در تنظیم رفتار اختیاری انسان، در تکامل روحی و معنوی او و نظم، امنیت و سعادت جامعه اشتراک دارند لازم است به عنوان نظامی واحد که قوام احکامش به اخلاق است مورد مطالعه قرار گیرد. آنچه در این میان مهم می‌نماید، بررسی ارتباط و تعامل این دو رکن مهم از اسلام و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان است.

به رغم نقش تعیین کننده احکام در زندگی و جایگاه ویژه‌ای که در نظام حکومتی ما دارد و نیز نقش عظیم فرایند اخلاق در زندگی فرد مسلمان، هنوز جایگاه فرهنگ اخلاقی در تعامل با فقه و احکام به درستی و روشنی تبیین نشده است؛ زیرا علاوه بر این عنصر اساسی، می‌بایست فرهنگ اخلاقی اسلام در فرآیند تشریح و استنباط احکام و روند قانون شناسی و قانونگذاری مورد توجه قرار گیرد.

تفسیر زبدة البیان فی الاحکام القرآن اثری غنی و گرانبار از مقدس اردبیلی است، که در زمینه موضوعی آیات الاحکام به رشته تحریر در آمده است. این تحقیق در صد است تا با نیم نگاهی به

زمینه‌های تعامل اخلاق و احکام، نسبت این دو را در این تفسیر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد؛ به بیان دیگر پرداختن به میزان توجه به گزاره‌های اخلاقی در تفسیر زبده البیان - که از آن به عنوان تفسیر موضوعی آیات الاحکام یاد می‌شود - و برشمردن محورهای آن عنوان موضوعی است که این تحقیق درصدد پاسخگویی به آن است. و تلاش گردیده ضمن بررسی دلایل این توجه نیز مورد شناسایی قرار گیرد.

پیشینه بحث

تعالیم اسلام با توجه به ساختار درونی‌اش، انطباق کامل با فطرت و نیازهای ذاتی انسان دارد و هر آنچه را که برای سعادت و پیشرفت او مؤثر بوده، ارائه داده است. علم فقه به عنوان یکی از ارکان اصلی آن، وظیفه تنظیم افعال مکلفین و موضوعات خارجی که به نوعی با افعال مکلفین ارتباط پیدا می‌کنند (همانند: نماز، روزه، حج، و...) را برعهده دارد (اصطلاحات الاصول، ص ۲۶۶ - ۲۶۵) این دستورالعمل‌ها بیشتر در آیات فقهی قرآن متبلور گشته است.

آیات فقهی قرآن به آیات الاحکام مشهور هستند و در تعریف آنها به آیاتی که به احکام فقهی و تکالیف عملی مرتبط است گفته می‌شود (ادوار فقه، ج ۴، ۲؛ آیات الاحکام، ص ۲)؛ به بیان دیگر آیات الاحکام بر آن دسته از آیات قرآن اطلاق می‌شود که بیان‌گر احکام عملی اسلام باشد (آیات الاحکام، ص ۲) و در واقع عناصر اصلی و عملی تعالیم عالییه قرآن مجید را تشکیل می‌دهند. در مورد تعداد این آیات اقوال مختلفی مطرح گردیده و نظرات مختلفی در این باره ارائه شده است؛ اما آنچه بیشتر در بین عالمان و مفسران قرآن مشهور است همان پانصد آیه می‌باشد (البرهان، ج ۲، ص ۱۳۰). بحث و بررسی پیرامون این بخش از آیات از قدیمی‌ترین مواردی است که مورد توجه عالمان دینی قرار گرفته، به خصوص مفسران و فقیهان از آغازین دوره‌های تفسیر و فقه به آن توجه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در دوران نزول آیات قرآن، موارد فراوانی از تلاش صحابه برای استنباط احکام از آیات قرآنی گزارش شده است (الطبقات الکبری، ج ۲، صص ۲۸۹-۲۹۷؛ وسائل الشیعة، ج ۳، صص ۳۶۰ - ۳۶۱؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۴۰۰). در دوره تابعین و در دوره‌های بعد این گونه تلاش‌ها ادامه داشته، مفسران و عالمان و فقیهان به دنبال تشریح و تفسیر این گونه آیات و استخراج احکام از آنها بوده‌اند؛ (کنز العمال، ج ۲، ص ۴۰۰) به گونه‌ای که مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی بی آنکه در مقام احصاء کامل بوده باشند، در کتاب موسوعة الذریعة خویش تعداد ۳۱ عنوان از تفاسیر آیات الاحکام را نام می‌برد. نخستین آثار در این باره به قرن دوم هجری برمی‌گردد.

شیعه و اهل تسنن و دیگر مذاهب مسلمان نیز نوشته‌هایی در این زمینه ارائه داده‌اند. در شیعه نخستین کتاب و شاید نخستین تالیف در زمینه آیات الاحکام از آن محمد بن سائب کلبی، (م. ۱۴۶ق)



- از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام - می‌باشد. (الفهرست، ص ۴۱) است و قدیمی‌ترین اثر بر جای مانده، فقه القرآن قطب الدین راوندی (م. ۵۷۳ ق) است. از آثار دیگر مشهور شیعه می‌توان به کنز العرفان تألیف فاضل مقداد (م. ۸۲۶ ق) تفسیر شاهی و آیات الاحکام (به فارسی) از سید امیر ابوالفتح جرجانی (م. ۹۷۶ یا ۹۸۶ ق)؛ زبدة البیان مقدس اردبیلی (م. ۹۹۳ ق) و مسالک الافهام از فاضل جواد کاظمی (م. ق. ۱۱) اشاره کرد.

در میان اهل سنت نیز قدیم‌ترین کتاب موجود از آن شافعی (م. ۲۰۴ ق) با نام احکام القرآن است که بیهقی آن را گردآوری کرده است. بیش‌ترین کتاب‌ها در زمینه تفسیر آیات الاحکام را فقیهان مالکی عرضه کرده‌اند که مشهورترین آنها احکام القرآن ابن عربی (م. ۵۴۳ ق) و «الجامع لأحكام القرآن» قرطبی (م. ۶۷۱ ق) است. از کتاب‌های معروف فقیهان شافعی نیز یکی احکام القرآن کیهزاسی (م. ۵۰۴ ق) و دیگری الحاوی الکبیر ماوردی (م. ۴۵۰ ق) است. سیوطی (م. ۹۱۱ ق) نیز از دیگر فقیهان شافعی کتاب الاکلیل فی استنباط التنزیل را در این موضوع نگاشته است. «احکام القرآن» جصاص (م. ۳۷۰ یا ۳۷۶ ق) نیز درباره تفسیر آیات الاحکام محور فقه حنفی است. کم‌ترین تألیفات در این زمینه، به فقیهان حنبلی تعلق دارد.

در تفاسیر آیات الاحکام مفسران روش‌های مختلفی را پیش گرفته‌اند. اکثر قریب به اتفاق اهل سنت به شیوه ترتیب سوره‌ها به تفسیر آیات الاحکام پرداخته‌اند (ابن عربی، سیوطی، کیهزاسی و...) اما شیعه و برخی از اهل سنت (بیهقی، شافعی و...) بیشتر شیوه تفسیر موضوعی را برگزیده‌اند و بر این اساس در شیعه بیشتر حول موضوعات پنج‌گانه عبادات، عقود، ایقاعات، احکام و سیاسات، بحث و بررسی می‌شود (ادوار فقه، ج ۲، ص ۱۰). در این میان برخی از مفسران به دلایل مختلفی از جمله روایات اخلاقی، ضرورت‌ها، گرایش‌های گوناگون فکری و... رویکردی اخلاقی، فلسفی، کلامی و... در ذیل این تفسیر این آیات و استنباط احکام از آنها را در پیش گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که با نگاهی اجمالی به این آثار این رویکردها به روشنی قابل مشاهده است. تفسیر زبدة البیان مقدس اردبیلی از جمله این تفاسیر است که رویکردی اخلاقی، کلامی و فلسفی در آن اتخاذ شده است اما توجه به مسائل اخلاقی در ذیل تشریح احکام در آن نمود خاصی دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد - این کتاب که در زمینه آیات الاحکام تألیف شده است - می‌تواند در زمره کتب اخلاقی نیز قرار گیرد. و بر این اساس این تحقیق در صدد شناسایی نسبت اخلاق و احکام در این کتاب و شناخت محورهای آن و نیز تبیین دلایل اتخاذ چنین رویکردی برآمده است.

نویسنده با بررسی آثار مختلف و مرتبط، به اثری که به این موضوع پرداخته و یا حداقل در این تفسیر این موضوع را مورد بررسی قرار داده باشد، دست نیافت. و لذا این تحقیق در صدد است با نگاهی جامع به

این موضوع این نسبت و نیز محورها و دلایل آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد تا از این طریق ضمن شناسایی این موارد بازخورد آن در جامعه اسلامی آشکار گردد. آنچه به عنوان مقدمه برای این امر نیاز است شناخت رابطه فقه و اخلاق، شخصیت شناسی مقدس اردبیلی و نیز بررسی ویژگی‌های کتاب زبدۃ البیان می‌باشد که در ذیل به تشریح آنها پرداخته می‌شود.

علم فقه و اخلاق

علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتارهای اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال و رفتار اختیاری متناسب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد انسان‌های مکلف و مسئول را از دو جهت مورد بررسی قرار می‌دهد (تهذیب الاخلاق، ص ۲۶؛ اخلاق ناصری، ص ۴۸؛ جامع العادات، ج ۱، صص ۲۷ - ۲۶) به بیان دیگر اخلاق مجموعه مسائل و دستورهایی که درباره «چگونه بودن» انسان از نظر صفات روحی و خصلت‌های معنوی است از قبیل: عدالت، تقوا، شجاعت، عفت، حکمت، استقامت، وفا، صداقت، امانت و غیره. (کلیات علوم اسلام، ص ۱۳)

علم فقه نیز که در واقع بخش احکام را در برمی‌گیرد مسائل مربوط به کار و عمل و اینکه چه کارهایی باید انجام شود و چگونه باید انجام شود، از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، بیع، اجاره، نکاح، طلاق، تقسیم ارث و غیره را در بر می‌گیرد (کلیات علوم اسلامی، ص ۱۴).

رابطه فقه و اخلاق

انسان دارای ویژگی‌های فردی و اجتماعی است و برنامه زندگی وی به صورت پیچیده‌ای درهم تنیده شده است. همه فیلسوفان و نظریه پردازان تاریخ بشر درصدد بوده‌اند که راهکارهایی در این راستا ارائه دهند تا انسان‌ها را به سعادت و خوشبختی رهنمون شوند.

مکتب اسلام نیز برای رشد و تکامل جامعه بشری، نظامی خاص طراحی کرده که اجزای آن به هم پیوسته و مرتبط است؛ به گونه‌ای که کلیه ارکان هدف واحدی را دنبال می‌کنند. انسان در این سیر تکاملی ترسیم شده می‌بایست به مقام و مرتبتهی دست یابد که از آن تعبیر «به نزد خدا» شده است (قمر، ۵۵ - ۵۴؛ انشقاق، ۶؛ نجم، ۴۲) کوشش انبیاء و ایده بعثت در تمام قرن‌ها تربیت این موجود و رساندن آن به کمالی که لایق اوست بوده است. (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۵)

بنابراین تمام دستورات الهی که در قالب عقاید، اخلاق و احکام تشریح و ابلاغ شده است (کلیات علوم اسلامی، ص ۵۵) در واقع تمهیدی است برای فراهم کردن رستگاری و نجات آدمی و رهایی او از رخوت و رکودی که مقتضای طبع حیوانی انسان است. سیر نهایی فقه و اخلاق - به عنوان دو رکن از

ارکان اسلام در کنار سایر ارکان - در تنظیم روابط انسانی نیز به همین معناست. هنگامی که بین دین و اخلاق، توافق در هدف برقرار کنیم، خواهیم دید که صلاح فرد و جامعه، برقرار خواهد شد... و همین مسئله غایت فقه است که به نفع بشریت و خیر او تمام می‌گردد؛ خیری در حال و خیری در آینده، رسانیدن به سعادت دنیا و رسیدن به سعادت در آخرت. (الفقه الاسلامی وادلته، ص ۱۵۰)

بر این اساس تمامی کارهایی که از ایمان به خدا و روز جزا سرچشمه می‌گیرد و در چارچوب تکالیف شرعی باشد، از دیدگاه اسلام تأثیر تام در کمال انسان دارد. حتی اگر از ایمان ناشی شود ولی در قالب عمل درست انتخاب نگردد و به آن طریقی که شارع دستور داده انجام نشود در تکامل انسان تأثیری نخواهد داشت (ساختار گزاره‌های اخلاق قرآنی، ص ۲۹۳) و لذا برای نائل شدن به چنین مقامی هم توجه به گزاره‌های اخلاقی و هم توجه به گزاره‌های فقهی و هم توجه به سایر گزاره‌های دینی برای دستیابی به کمال ضروری و لازم است و این هدف واحد زمینه ارتباط و تعامل این گزاره‌ها را فراهم ساخته است.

گزاره‌های اخلاقی قرآن از جهت منشأ، نیز با گزاره‌های فقهی ارتباط دارند و همین عوامل زمینه ارتباط و تعامل این حوزه را با یکدیگر و با سایر گزاره‌های دینی را فراهم کرده است؛ زیرا هر دو از یک چشمه سیراب شده اند و دارای منشأ واحدی هستند و خدا محوری در همه جای این تعالیم حضور دارد (فقه سیردهی قرآنی، ص ۴۳۳) از طرفی خاستگاه این گزاره‌های اخلاقی فطرت، عقل و اراده خداوند می‌باشد و از این حیث هیچ تفاوتی با گزاره‌های فقهی وجود ندارد (ساختار گزاره‌های اخلاق قرآن، ص ۱۱۸). اشتراک موضوعی نیز یکی دیگر از زمینه‌های ارتباط گزاره‌های اخلاقی با گزاره‌های فقهی است؛ فقه و اخلاق علاوه بر اینکه دارای کارکرد اجتماعی یکسانی هستند و معیارهایی را برای نظم بخشیدن به رفتار انسان بیان می‌کنند؛ هر دو با افعال اختیاری انسان در ارتباطند؛ زیرا موضوع گزاره‌های اخلاقی اولاً صفات پایدار نفسانی اعم از رذیلت و فضیلت است و ثانیاً رفتار پسندیده و ناپسند اعم از اعمال قلبی (مانند کینه، حسد، تواضع و تکبر) و اعمال بدنی را شامل می‌شود (ساختار گزاره‌های اخلاق قرآن، ص ۳۰۵) موضوع گزاره‌های فقهی نیز رفتار و اعمال انسان است و از این حیث هیچ تفاوتی با موضوع گزاره‌های اخلاقی ندارد.

یکی دیگر از زمینه‌های ارتباط فقه با اخلاق نحوه بیان و شکل گزاره‌هاست؛ محمول گزاره‌های اخلاقی به صورت‌های مختلفی از جمله شکل امری آمده است که با محمول گزاره‌های فقهی قرآن شباهت فراوانی دارند. در آیاتی که برخی جنبه اخلاقی و برخی دیگر جنبه فقهی دارد اما با سبک و سیاقی واحد به موضوعی امر می‌کنند که نمی‌توان در برداشت الزامی بودن و نبودن تفاوتی قائل شد؛ به عنوان مثال در مقایسه آیات ۲، ۶ و ۹۳ مائده با آیه ۴۳ بقره و ۲۳ سوره اسراء این امر کاملاً مشهود است؛

دسته‌ای از گزاره‌های اخلاقی صرفاً دارای بار ارزشی توصیه‌ای است (به عنوان مثال بقره: ۲۳۳)؛ دسته‌ای دیگر دارای بار امری و دستوری است. حتی برخی گزاره‌های ظاهری توصیه‌ای دارند، اما با توجه به علت اهمیت موضوع و با کنار هم قرار دادن آیات می‌توان برداشت نمود که دلالت بر توصیه و سفارش محض نمی‌کنند: مانند آیه ﴿وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا﴾ (مریم، ۱۴) ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا﴾ (عنکبوت، ۸) که بیانی خبری دارند و از لفظ توصیه استفاده نموده‌اند؛ اما از مجموعه آیات می‌توان برداشت نمود که فرزندان موظف به احسان به والدین می‌باشند. در بعضی گزاره‌ها با ساختاری کاملاً امری و ظاهری انشایی، دستور به انجام یا ترک فعلی می‌دهد (مانند: ﴿وَعاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء، ۱۹) و ﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (اسراء، ۲۳) گزاره‌های فقهی از این نظر با گزاره‌ای اخلاقی تفاوتی ندارند. لذا هرگونه برداشتی از گزاره‌ای فقهی، اعم از توصیه یا تکلیف در مورد گزاره‌های اخلاقی مشابه نیز ثابت است؛ اما از آنجا که مهمترین فارق گزاره‌های اخلاقی، حیثیت و بار ارزشی است، بسیاری از آنها با لحن پند و اندرز بیان شده تا هم ارزشی بودن آن را به نمایش بگذارد و هم تأثیر عمیق‌تری بر مخاطب داشته و انگیزه بیشتری برای انجام فعل در او ایجاد کند (ساختار گزاره‌های اخلاق قرآن، ص ۳۰۰). ضرورت وجود نیت در هر دوی آنها، نیز گزاره‌های اخلاقی را با گزاره‌های فقهی، مرتبط می‌سازد؛ بر اساس تعالیم اسلام روح انسان هم برای تکامل استعداد دارد و هم برای سقوط و تنزل^۱ و هر کاری که بیشترین تأثیر را در بالاترین کمال انسان داشته باشد عالی‌ترین ارزش اخلاقی را خواهد داشت؛ بر این اساس هر چه انسان در مراتب قرب الی الله بالا رود، به همان میزان روحش متکاملتر می‌شود و آن جایی است که انسان هیچ حایلی بین خود و خدای خود احساس نکند و این مقامی است که امام علی علیه السلام در وصف آن می‌فرماید: «إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِثْقَاعِ إِلَيْكَ» (مناجات شعبانیه) و تنها راه رسیدن به چنین مقام و کمالی، عبادت و عبودت است؛ زیرا انسان جز برای عبادت خلق نشده است؛^۲ بدین معنا که همه کارها و رفتارهای خود را به انگیزه اطاعت خداوند برای رضای او و قربۃ الی الله انجام دهد گوش به فرمان او باشد و بر اساس میل وارده او حرکت کند و علاوه بر آراستگی ظاهری در عمل، نیت و انگیزه را نیز آراسته کرده و در این راستا قرار دهد. و در این امر تفاوتی بین گزاره‌های اخلاقی یا فقهی و سایر گزاره‌های دینی نیست. و این امر زمینه تعامل و ارتباط این دو حوزه را فراهم ساخته است. بنابراین نیت به عنوان پیش شرطی اساسی هم در گزاره‌ای اخلاقی و هم در گزاره‌های فقهی و هم در سایر گزاره‌های دینی مورد توجه وامعان نظر قرار گیرد.

۱. ﴿وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾ (شمس، ۱۰ - ۹).

۲. ﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات، ۵۶).

هم چنین بنا بر دیدگاه قرآن، انسان‌ها و نوع رابطه اعضای آن به صورتی است که فقه به تنهایی قادر نیست این روابط را تنظیم کند؛ به عنوان مثال درحوزه خانواده و به عنوان کوچکترین واحد اجتماع، زمانی که بر اساس حق من و تکلیف تو شکل بگیرد، نمی‌تواند دوام داشته باشد. طبیعت خانواده با این روش‌ها سازگار نیست. اگر اخلاق نباشد، به زن و مرد این اجازه را می‌دهد که کارهایی را که واجب فقهی نیست یا انجام ندهد یا درمقابل، طلب اجر و مزد نمایند. زن می‌تواند در مقابل کارهای خانه، نگهداری و شیر دادن کودک درخواست مزد و اجر نماید، و مرد می‌تواند در مقابل بسیاری از خواسته‌های زن مخالفت کند و به این بهانه که وظیفه ندارد بسیاری از مخارج زندگی را بر عهده نگیرد. اخلاق به جای این دستورات خشک، به تفاهم، مدارا، شفقت و احسان توصیه می‌کند؛ زیرا خانواده یک سازمان حقوقی نیست که صرفاً با رعایت قوانین حقوقی بتوان در آن نظم ایجاد کرد. آنچه در خانواده باید بوجد بیاید، عشق مهربانی و حسن نیت است و هیچ نیروی جز اخلاق و ایمان نمی‌تواند بر این عواطف حکومت کند و آرامش را به آن بازگرداند. برای حفظ این کانون - به عنوان یکی از کانون‌های اجتماعی - از خطر انحلال باید انواع تدابیر اخلاقی و اجتماعی را به کار برد (فلسفه حقوق، ج ۱، ص ۴۱۷) و در کنار احکام و وظایف و حقوق هر کسی اخلاق نیز مورد توجه قرار گیرد بنابراین اخلاق به عنوان یک بازوی قدرتمند ضمانت اجرایی قوی برای فقه ایجاد می‌کند. به بیان دیگر اخلاق افزون بر فرهنگ‌سازی و هویت‌آفرینی برای جامعه و فرد زمینه را برای اجرای تعالیم شرعی و قانونی اعم از عبادات و معاملات و احکام و قوانین مدنی و اجتماعی فراهم می‌آورد. جامعه انسانی بدون اخلاق، از هویت انسانی تهی می‌شود و تنها با زور و ارباب و خشونت امکان اجرای نسبی خواهد داشت (ساختار گزاره‌های اخلاق قرآن، ص ۳۰۸). وجود ملاکات اخلاقی در احکام فقهی و ورود بسیاری از گزاره‌های اخلاقی در قلمرو گزاره‌های فقهی نیز از جمله نمودهایی است که زمینه تعامل و ارتباط این دو حوزه را فراهم کرده است؛ بسیاری از دستورات فقهی مبتنی بر احکام اخلاقی است به گونه‌ای که بسیاری از اعمال اخلاقی به صورت احکام فقهی درآمد است، مانند غیبت، دروغ، نمایی، منت در صدقه (فقه‌پژوهی قرآن، ص ۴۱۷) یا در مسأله جهاد و دفاع از کشور در دستورات فقهی حقوقی مورد توجه واقع شده، اما حتی درچنان موقعیتی خداوند اجازه بی‌عدالتی و بی‌انصافی را نداده است. و در واقع با عدم رعایت آنها بسیاری از احکام را زیر پا نهاده و از ایمان فاصله گرفته است و گاه بی‌تفاوتی و بی‌توجهی، شخص را از زمره مسلمانی خارج می‌سازد چنان که رسول اکرم می‌فرماید:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا أَوْ صَرَّهٗ أَوْ مَا كَرِهَ» (بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۷) هر کس

مسلمانی را بفریبد یا به او ضرر برساند و حيله بزند، از ما نیست.

همچنین فرموده‌اند:

«مَا آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَنْ بَاتَ شَبَعَانَ وَ جَاؤُهُ جَائِعٌ»؛ (بحار الأنوار، ص ۳۶۲) هر کس

سیر بخوابد در حالی که همسایه‌اش گرسنه باشد، به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده است.

نکته آخر که می‌توان پیرامون ارتباط اخلاق با فقه مطرح کرد این است که چون منشأ افعال و اعمال انسان اراده و تکلیف است در محمولات همانگونه که در گزاره‌های فقهی از واجب، مستحب، مکروه، حرام و مباح استفاده می‌شود، در گزاره‌های اخلاقی نیز از این معانی استفاده می‌شود (مبادی اخلاق در قرآن، ص ۳۶) و از این نظر نیز اشتراک دارند؛ زیرا در هر دوی اینها انسان و رفتارهای او مد نظر است.

شخصیت‌شناسی مقدس اردبیلی

احمد بن محمد آذربایجانی معروف به «مقدس اردبیلی» و «محقق اردبیلی» از مفاخر علمای امامیه در قرن دهم و در عهد صفویه می‌زیسته. مادرش علویه و پدرش فردی صالح و پاک بوده است. سال تولد وی معلوم نیست. لیکن در روستایی به نام «نیار» از توابع اردبیل متولد شده و در سال ۹۹۳. ق نیز دارفانی را وداع گفته است (روضات الجنات، ج ۱، ص ۸۲). مقدس اردبیلی، تحصیلات مقدماتی را در اردبیل گذرانید و پس از آن به شیراز عزیمت کرد تا به همراه طلابی مانند ملا عبداللّه شوشتری، میرزا جان باغنوی، ملا عبداللّه یزدی و... در خدمت حکیم جمال الدین محمود شیرازی شاگرد جلال الدین دوانی، حکمت و منطق را فرا گیرد. مقدس اردبیلی از جمله محجوبترین و با هوشترین شاگردان جمال الدین محمود شیرازی بوده است (فردوسی در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، ص ۵۶). مرحله دوم حیات علمی مقدس اردبیلی با مهاجرت به نجف اشرف و تحصیل فقه و حدیث آغاز گردید. وی در نجف از محضر علمایی چون جمال الدین محمود، مولی الیاس (دایی) و... بهره برده و شاگردانی مانند شیخ حسن (فرزند شهید ثانی صاحب معالم)، سید محمد موسوی عاملی (صاحب مدارک)، امیر علام، خواجه فضل اللّه استرآبادی، میرزا محمد استرآبادی، شیخ محمدعلی بلاغی، عنایت اللّه قهپایی و... در محضر او پرورش یافتند.

از آن جایی که مقدس هم عصر صفویان بود و دولتمردان صفوی خواستار حضور فقیهان و عالمان شیعه در پایتخت بودند، فلذا بارها و بارها ایشان را به اصفهان فراخواندند. اما مقدس دعوت آنان را بر نمی‌تابید و پذیرفتن هدیه و اموال دیوان و خراج را نیز تحریم می‌کرد. و در نجف ماندگار شد و به سروسامان دادن حوزه علمیه نجف پرداخت. مقدس تا پایان عمر با برکتش در نجف باقی ماند و به تحصیل و تدریس پرداخت. وی درست زمانی بر مسند تدریس نشست که شهر نجف پس از شهادت شهید اول و شهید ثانی در سکوتی غریب و جان سوز فرو رفته بود و بدین ترتیب با انقلابی پر خروش بساط گفتگوی طلاب و بحث و مباحثه در حوزه را پهن کرد و با تلاش و کوشش بی اندازه اش، حوزه



نجف دوباره رونق سابق را بازیافت. سید حسن صدر در باره نقش مقدس اردبیلی در باره احیای دوباره حوزه نجف می‌نویسند: «در زمان مقدس اردبیلی، دوباره کوچ علمی به نجف آغاز شد. حوزه تقویت یافت و مردم از اطراف و دیگر شهرها و بلاد، به آنجا روی آوردند و آن شهر به صورت بزرگترین مرکز علمی درآمد.» (ره‌توشه عتبات عالیات، ص ۶۵). ایشان به دلیل دقت نظر و علم عمیق به مسائل شرعی و سایر مسائل روز، پیوسته مورد رجوع مردم در مسائل عبادی و اجتماعی و اخلاقی بوده و با ایشان مشورت می‌کردند. وی محقق بزرگ و نامدار و مجتهدی دقیق النظر و موشکاف می‌باشد و آرا و نظریات دقیق و علمی او مورد توجه اهل نظر بوده است و همه وی را نمونه بارز تحقیق و تدقیق دانسته‌اند (اندیشه سیاسی محقق اردبیلی، ص ۲۵) علامه مجلسی رحمته‌الله درباره ایشان می‌نویسد: «کسی را در میان متقدمین و متأخرین نشنیدم که همانند او باشد. خداوند بین او و بین ائمه طاهیرین علیهم‌السلام جمع بفرماید. کتب او دارای بالاترین مراتب دقت نظر و تحقیق است.» (بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴۲)

شیخ حر عاملی نیز درباره ایشان می‌نویسد: «مولای اجل اکمل، احمد اردبیلی عالمی فاضل، مدقق، عابد، ثقه، ورع، عظیم الشان و جلیل القدر بوده است.» (المائل الماهل، ج ۲، ص ۲۳). ایشان در زمینه‌های مختلف از جمله تفسیر، کلام، علوم عقلی، هیئت و نجوم، فقه و... دارای تبحر بوده و در این زمینه‌ها نیز آثار و تألیفاتی نیز به رشته تحریر درآورده است. از جمله این تألیفات می‌توان به مجمع الفائده و زبدة البیان فی احکام القرآن در فقه، ترجمه العقائد، الحاشیه علی شرح التجرید در کلام و عقاید، حدیقه الشیعه درباره امامت و... اشاره کرد. آنچه که نیز در این تألیفات توجه انسان را به خود جلب می‌کند، ارائه روش جدید و برخوردی موشکافانه و علمی با مسائل و موضوعات در هر علم می‌باشد. تا آنجا که در هر زمینه نظرات و دیدگاه‌های ایشان مورد توجه علماء و دانشمندان هم عصر و دوره‌های بعد قرار گرفته است.

زهد و تقوی بی‌مانند و مثال زدنی ایشان نیز از دیگر ویژگی‌های بارز شخصیتی وی بود؛ به نحوی که از کثرت زهد و تقوا و ورع در میان مردم و علما معروف به «مقدس» و «مقدس اردبیلی» گردید و همین ویژگی‌های شخصیتی در اتخاذ رویکردی اخلاقی و معنوی در آثار و مصنفات ایشان بی‌تأثیر نبوده است. و به گونه‌ای بعد علمی ایشان تا حد زیادی تحت الشعاع بعد معنوی قرار گرفته است؛ تا آنجا که محدث نوری درباره ایشان می‌نویسد:

شجره علم و تحقیقات این عالم ربانی و فقیه محقق صمدانی، زیر انوار قدس و زهد و خلوص و کراماتش مدفون مانده است.» (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۲).

داشتن روشی مخصوص در فقه نیز از ویژگی‌های منحصر بفرد مقدس اردبیلی بود؛ نوع نگرش او به منابع شناخت احکام، طرز استفاده او از قواعد فقهی و اصولی و نیز نوع بهره‌برداری او از روایات

شریفه، همراه با جرأت و شجاعتش در بیان فتاوا، او را صاحب مکتب خاصی در فقه گردانید، به طوری که در دوره صفویه و پس از آن، گروهی از بهترین فقها را، پیرو روش فقهی خود کرد (مقدمه‌ای بر فقه شیعه، صص ۵۷-۵۶) مقدس اردبیلی اولین کسی بود که بعد از عصر شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) دایره عمل به خبر واحد را گسترش داد. همو نیز به خبر شخص موثق (غیر امامی ثقه) توجه داشت؛ با آن که فقیهان پیش از او، یعنی شهید ثانی (م ۹۶۵ق) و محقق کرکی (م ۹۴۰ق) به خبر موثق عمل نکرده‌اند (فقه و فقه‌های امامیه در گذر زمان، ص ۳۹). سرانجام این اندیشمند فرزانه در ماه صفر سال ۹۹۳ هـ. ق در نجف اشرف دار فانی را وداع گفتند. قبر مطهر وی در حرم مطهر علوی در ایوان طلای شرقی در حجره متصل به رواق اصلی واقع شده و محل آن به ویژه برای علماء شناخته شده است.

ویژگی‌های زبدۃ البیان

از جمله تألیفات محقق اردبیلی در زمینه فقه کتاب «زبدۃ البیان فی آیات الاحکام» می‌باشد که از جمله کتب معتبر و مشهور در آیات الاحکام بوده و مورد توجه علمای امامیه بوده و حواشی بسیاری بر آن نگاشته شده است (دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۲، ص ۲۱۳۹) این کتاب در سال ۹۸۹ق تألیف شده است (ریحانة المادب، ج ۴، ص ۶۴) و به زبان عربی می‌باشد و ترجمه آن به زبان فارسی نیز انجام گرفته است.

این کتاب از جمله تفاسیر موضوعی است که ترتیب آن بر اساس موضوعات مختلف فقهی تنظیم و در قالب کتب فقهی مورد توجه قرار گرفته است. این کتابها شامل: طهارت، نماز، صوم، زکاه، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، مکاسب، بیع، دین و توابعه (رهن، ضمان، صلح، وکالت)، عقود (اجاره شرکت مضاربه، ایضاع، ابداع، سیق و رمایه، شفعه لقطه، غصب، اقرار، وصیت، عطایای منجزه نذر و عهد یمین، عتق)، نکاح، مطاعم و مشارب، موارث، حدود، جنایات، قضاوت و شهادت می‌باشد. نویسندگان در هر کتاب و در ذیل هر مبحث از آن آیات مربوط و مرتبط را ذکر و به تفسیر و تبیین و استنباط و استخراج احکام از آنها پرداخته است.

با بررسی این عناوین و کتابها و مقایسه آنها با سایر کتب تفسیری دیگر که در این زمینه تألیف شده است می‌توان به این نکته پی برد که مفسر بیشتر موضوعات اجتماعی را مد نظر قرار داده تا موضوعات فردی؛ شاید به این دلیل که موضوعات اجتماعی بارویکردی معنوی و اخلاقی در قرآن یاد شده‌اند و مؤلف نیز از این روحیه برخوردار و به ابعاد اخلاقی و اعتقادی این موضوعات نیز توجه داشته و به آنها پرداخته است.

روش محقق در تفسیر آیات به این صورت است که معمولاً پس از ذکر تمام یا قسمتی از آیه، ابتدا به واژه‌شناسی و تجزیه و تحلیل صرفی آیه پرداخته است. سپس بیان معانی و دلالت‌های آن را مد نظر قرار داده و در مواردی به شأن نزول آیات نیز اشاره کرده است. در ادامه به تفسیر و تشریح آیه پرداخته و دیدگاه‌های مختلف پیرامون آیه و عبارات آن نیز بیان می‌کند؛ گاهی این دیدگاه‌ها را تأیید و گاهی نیز به نقد دیدگاه‌های دیگران پرداخته ضمن رد آنها، با بیان استدلال‌ات قوی و روشن بر دیدگاه مورد نظر خویش تأکید می‌نماید. این نظم و ترتیب و این گونه استدلال‌ات، تقریباً در همه جای زبده وجود دارد. به گونه‌ای که مرحوم آیت الله معرفت نظم خوب و قوت استدلال در این کتاب را ستوده و در باره آن می‌نویسد:

«زبدة البیان کتابی است ارزشمند، دارای نظم و ترتیبی نیکو، استدلال متین و دلایل و براهین قوی» (معرفت، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۷۱).

مقدس اردبیلی در برخی از آیات که جزئیات موضوعات فقهی بیان نشده است، تلاش کرده احکام فرعی و جزئی را با کمک روایات و آیات مرتبط استخراج کند. استفاده از حدود ۵۰۰ روایت در این کتاب در ذیل موضوعات مختلف خود گواه روشنی بر این ادعا می‌باشد؛ چیزی که در سایر کتب آیات الاحکام کمتر به چشم می‌خورد. روش تفسیر قرآن به قرآن از جمله شیوه‌هایی است که مؤلف در این اثر از آن بهره بسیاری گرفته؛ مفسر در این روش برای تبیین و تفسیر هر آیه و استنتاج و استدلال بر مطالب و احکام مورد نظر از آیاتی دیگر - که گاه‌ها حتی در بادی امر نامرتبط جلوه می‌کنند - کمک می‌گیرد ولی با مهارت و تبخّر خاصی که در این زمینه دارد، به راحتی ارتباط را برقرار و مطالب مورد نظر را استخراج و در اختیار مراجع کنندگان قرار می‌دهد.

توجه به قرائن حالیه و فضای نزول و اوضاع و احوال حجاز و گاهی خارج از حجاز، همه در فهم آیه دخیل است. مفسر ناگزیر است به (سبب نزول) آگاه باشد و در زبدة البیان این مسأله از اهمیت والایی برخوردار است و کمتر آیه‌ای پیدا می‌شود که شأن نزولی داشته باشد و ذکر نشده باشد. حتی گاه آیه مطرح شده، در حالی که هیچ ربطی به موضوع ندارد جز به برکت شأن نزول.

توجه به مباحث ادبی و قواعد عربی و استفاده فراوان از این قواعد در تفسیر آیات از ویژگی‌های بارز زبدة البیان می‌باشد. مفسر در موارد بسیاری به بیان معانی لغوی، اشتقاق، مباحث صرفی و نحوی و تجزیه و ترکیب آیات پرداخته است. روش تطبیقی و مقایسه‌ای از شیوه‌ای پرکاربرد در این کتاب است. مؤلف در بسیاری از موضوعات و در تفسیر بسیاری از آیات، اقوال و آرای مفسران را آورده است؛ گاه این آراء را با یکدیگر مقایسه نموده و آنگاه نظر خود را بیان می‌کند یا اینکه در بیان دیدگاه‌های خود، به آرای دیگر مفسران و فقها استناد می‌کند. در میان این تفاسیر بیش از همه، از مجمع البیان طبرسی، «کشاف»

زمخشری، انوار التنزیل بیضاوی، تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر عیاشی بهره برده و به بیان دیدگاه‌های ایشان در ذیل برخی از آیات پرداخته است (تفسیر زبدة البیان، ص ۲۹).

محورهای توجه به اخلاق در بیان احکام

برای اینکه بتوانیم به نسبت اخلاق و احکام را در تفسیر زبدة البیان دست پیدا کنیم می‌بایست نمودها یا محورهای توجه به اخلاق و موضوعاتی که به اخلاق و علم اخلاق مرتبط است در این کتاب که به عنوان یک تفسیر آیات الاحکام از آن یاد می‌شود مورد بررسی قرار گیرد. تا از این طریق ضمن شناخت این محورها و سنجش میزان پرداختن به آنها در این کتاب بتوانیم به تحلیل درستی از این امر داشته باشیم در ضمن این نکته را نیز باید مد نظر قرار داد که آنچه به عنوان اخلاق و موضوعات اخلاقی از آن یاد شده در واقع همان موضوعات و عناوینی است که مربوط به خصلت‌های نفسانی است و در کتبی که پیرامون اخلاق نوشته شده است به آنها اشاره شده است نظیر اموری مثل صبر، عفو گذشت، سعه صدر، ایثار، غیبت، دروغ‌گویی، اخلاص در عمل و...).

۱. اتخاذ رویکردی اخلاق مدارانه (تعابیر اخلاق مدارانه):

اخلاق اسلامی و الهی حکم می‌کند که فرد بدون مطالعه و تحقیق نسبت به موضوعی اظهار نظر نکرده و یا ادعایی را مطرح نکند و نظرات و دیدگاه دیگران را زیر سوال نبرد. نقد استوار آراء و نگره‌ها، با رعایت اخلاق، منطق و انصاف چیزی است که می‌باید در هر نقدی مورد توجه و امان نظر قرار گیرد. محقق اردبیلی، تقوا را با درایت، و تقدس را با تحقیق آمیخته بود و در هر دو جناح علمی و تقوایی ممتاز بود. او با ایمانی استوار و دانشی گسترده و عمیق، تیزبینی و درایت فقهی را با قداست و تقوای الهی توأم ساخته بود؛ وقتی به سلسله فتاوا و نظرات ایشان توجه می‌کنیم، می‌بینیم در بیان نظرات بسیار محققانه عمل کرده است. روش شجاعانه محقق همراه با صفات قدسی او، به نوآموزان فقه می‌آموزد که درک اجزای شریعت محمدی، تنها در سایه فهم و شناخت روح دیانت به دست می‌آید. همچنین لحن و شیوه بیان مقدس اخلاق مدارانه و همراه با نوازش و ملاحظت است؛ مثلاً در تفسیر آیه ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل/ ۱۲۵) می‌گوید:

آنان را فراخوان با قیاس جدلی، که از مقدمات مسلمة نزد خصم، تشکیل می‌شود. هر چند آن مقدمات در واقع درست نباشد، یعنی دعوت کن از بهترین راه مجادله و مباحثه و ممارات، نه به گونه‌ای که در آن داد و فریاد باشد و طرف نفهمد، بلکه باید زورگویی، ترشروی، اعراض و شتم نباشد و گفته نشود: من نمی‌فهمم، چنانکه همین شیوه نکوهیده،

عادت نادانان روحانی نماست همچنین جدال احسن یعنی، مقدمات نادرست دلیل طرف، به شیوه صحیح پاسخ داده شود تا شبهه‌های آنان زدوده گردد، نه با سکوت، زورگویی و داد و فریاد. یا گفته شود: این مطلب از واضحات است و جواب نمی‌خواهد و... خلاصه آنکه دعوت باید در نهایت نرمش و ملایمت باشد نه زور و سنگدلی... و این آیه، ممارات حسنه را تجویز می‌فرماید نه مرء باطل؛ همینطور است آیه «فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا» (کهف/ ۲۲) چنانکه روایات فراوانی نیز، از مرء و جار و جنجال بی‌نتیجه نهی می‌کنند مثل: «لَا تُمَارِ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُمَارِي». (زبدة البيان، ص ۳۴۸)

بهره‌مندی از آرای مفسران و مراجعه به منابع مختلف علمی، در فهم فقیه از گزاره‌های دینی تأثیرگذار است وافق‌های تازه‌ای را به سوی معنای اصلی گزاره فراروی او می‌گشاید؛ سلطه اردبیلی بر تفسیر و کلام و ادبیات عرب، وی را به میدان نقادی تفاسیر کشانده و آرای معتزله و اشاعره، خصوصاً بسیاری از نقاط ضعف انوار التنزیل قاضی بیضاوی، کشف زمخشری و تفسیر کبیر فخر رازی را به معرض نقد نهاده و تناقضاتشان را آشکار کرده است. محقق اردبیلی هنگام نقل و نقد - در عین بررسی و رد برخی آرای دیگران - ادبی ستودنی دارد. معمولاً در آغاز کتاب و گاه در بین آن، نام محترمانه و کامل بزرگان را ذکر می‌کند مثلاً: «قال الشيخ ابو علی الطبرسی رحمه الله فی تفسیره الکبیر» (زبدة البيان، ص ۴)؛ «و نقل الشيخ ابو علی الطبرسی قدس الله روحه الشریفه» (همان، ص ۴۲۲). همچنین از شیخ طوسی در چندین جای زبدة البيان با عنوان «سلطان المحققین» یاد می‌کند (همان، ۳۰۴ و ۳۳۱ و ۵۱۰ و ۶۹۵). محقق اردبیلی آنقدر برای سید مرتضی احترام قائل است که گوید:

«سید مرتضی جز با دلیل و برهان، از محدوده مفهوم آیه شریفه، پا فراتر نمی‌نهد، «... لعدم خروجه عن الآية الا بیقین...» (همان، ص ۲۳۹).

همین طور از مفسران و متکلمان فقیهان فریقین زیاد نقل و نقد می‌کند؛ مثلاً بیش از پنجاه بار نام ابوحنیفه را می‌برد ولی دیده نمی‌شود جایی به کسی توهین کرده باشد بلکه گاهی حرف حق عالمان عامه را می‌ستاید؛ مثلاً از تفسیر کشف چنین ستایش شده است: «وَنِعَمَ مَا قَالَ» (همان، ص ۲۰ و ۳۸۵ و ۳۸۹). همچنین پس از نقل کلام شعبی می‌نویسد: «هذا کلام جید جداً» (همان، ص ۵۶۸).

دقت در تعبیر به کار رفته نیز یکی از نمودهای اتخاذ رویکردی اخلاق مدارانه در این کتاب می‌باشد؛ به عنوان مثال هنگام انتساب فتوایی به اصحاب - اگر مسأله اجماعی نباشد - با تردید و احتیاط، تعبیر می‌کند مثلاً «و اما اصحابنا، فکانهم يجعلونه مخصوصا بالمرض» (همان، ص ۲۳۵) یا می‌نویسد: من چنین گمان می‌کنم. (همان، ص ۱۶۱ و ۴۶۵ و ۴۹۹)

روحیه تعبد و فنای فی الله، در محقق اردبیلی به اندازه‌ای است که نه تنها خود را فهمیده و دیگران را ظاهرگرا و کوته نظر و متعصب نمی‌شمارد، بلکه معمولاً با تعبیر «الله یعلم» و نه «الله اعلم» خود را کوچک می‌شمارد و مکرر به خدا پناهنده می‌شود تا دچار غرور نگردد. مثلاً، پس از پاسخ به فخر رازی گوید: «الله یعلم الله الموفق للحق والصواب والیه المصیر و المآب» (زبدة البیان، ص ۳۹۲) و هنگامی که بحث ردایل مطرح می‌شود، می‌گوید: «اعاذنا الله وایاکم عن امثالها (همان، ص ۳۴۸) و مثل: «و من روافع النکاح، الارتداد - نعوذ بالله منه -» (همان، ص ۶۱۵) توصیه می‌کند: «از خدا بخواه که به تو بفهماند: «استفهم الله یفهمک» (همان، ص ۹۱) این گونه رفتار کردن و این گونه با مسائل و افراد مواجه شدن، بهترین و بیشترین تأثیر را در ایجاد انگیزش و گرایش افراد برای یاد گرفتن احکام دین الهی و عمل به آنها فراهم می‌سازد چنانچه امام علی علیه السلام می‌فرماید: الدّاعی بِلَا عَمَلٍ کَالرّامی بِلَا وَتَرٍ (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷) دعوت کننده بی‌عمل، چون تیر انداز بدون کمان است؛ وَ مَنْ لَمْ یُخْتَلِفْ سِرَّهُ وَ عَلاَئِیْتُهُ وَ فِعْلُهُ وَ مَقَالَتُهُ فَقَدْ اَدَّى الْاَمَانَةَ وَ اَخْلَصَ الْعِبَادَةَ (همان، نامه ۲۶) کسی که نهان و آشکار و کردار و گفتارش تفاوتی نکند به راستی امانتش را ادا و عبادتش را خالص کرده است.

مقدس هرگاه از گناه و ردایل اخلاقی سخنی مطرح می‌شود، به خدا پناه می‌برد؛ مثلاً در پایان بحث مرآ می‌نویسد: «اعاذنا الله وایاکم عن امثالها» (مقدس اردبیلی: ۳۴۸) با آنکه مفصل بحث تفسیری و فقهی استعاده را در ذیل آیه شریفه «فَاِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (نحل، ۹۳) مطرح می‌کند. (همان، ص ۹۳ - ۹۱)

۲. اشاره به دلالت‌های اخلاقی آیات

مقدس اردبیلی تذکرات اخلاقی را با احکام فقهی درآمیخته و از تشریح معنویات دریغ نورزیده است. مثلاً در پایان آیه وضو^۱ (مانده، ۶) به تفسیر آیه و بعد از آن به فلسفه طهارت می‌پردازد. و در شرح (و لیتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکُمْ) می‌گوید:

خداوند با احکام دین و با ایجاب وضو و تیمم می‌خواهد آن گونه شریعتش را کامل کند که پاک

کننده بپیکر و بخشاینده گناهان شما باشد. (زبدة البیان، ص ۲۱)

همچنین در ذیل آیه ۱۹ سوره نور^۱ در ذیل کتاب مکاسب به این نکته اشاره می‌کند که این آیه دلالت بر تحریم قصد حرام و یا قصد اشاعه فحشاء دارد و این گونه کسان هم در دنیا وهم در آخرت به کیفر خود

۱. «یا ایها الذّین آمنوا إذا قمتم إلى الصّلاة فاغسلوا وُجوهکم و ایدیکم إلى المرافق و امسحوا برؤوسکم و ارجلکم إلى الکعبین و ان کنتم مرضی او علی سفرٍ او جاء احد منکم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعباً طیباً فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم و لیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون» (مانده، ۶).

خواهند رسید (همان، ص ۳۸۸). مقدس با اشاره به ضرورت انفاق و بخشش در بین مسلمانان در ذیل آیه ۲۲ سوره نور^۲ می‌فرماید:

این آیه دلالت بر عدم جواز سوگند بر ترک اعطاء و بخشش و انفاق اگر چه فردی که هم به او اعطا می‌شود فاسق باشد و بلکه هم منافق باشد که درقرآن به او وعده کیفر داده است و نیز در این آیه ترغیب و تحریضی است بر حسن خلق و مماشات با خلق (زبدة البیان، ص ۳۷).

کیفیت عمل مهمتر از کمیت آن است و قبول شدن عمل مهمتر از صحت آن است (ر. ک: بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۱۲؛ کافی، ج ۲، ص ۸۴). و رمز پذیرفته شدن، توجه به اسرار عبادات، مثل حضور قلب در نماز، است. و بر این اساس مقدس اردبیلی در ذیل آیه ۴۳ سوره نساء^۳ با اشاره به عبارت «یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلاة و انتم سُکاری...» این آیه بر این نکته تأکید می‌نماید که در نماز نباید غافل از حال نماز باشد و به چیز دیگری که متعلق به نماز نیست مشغول بود (زبدة البیان، ص ۲۵) همچنین درباره آیه ۳۸ سوره روم^۴، از عبارت «یریدون وجة الله» این آیه استنباط می‌کند که شرط انفاق، اخلاص است (همان، ص ۱۸۷).

از دیگر مواردی که مقدس به دلالت‌های اخلاقی آیات اشاره می‌کند این است که وی در کتاب زکات ضمن بحث از آیه ۱۷۷ سوره بقره^۵ می‌نویسد که:

از این آیه سه امر مهم اخلاقی فهمیده می‌شود: صحت اعتقاد، حسن معاشرت، و تهذیب نفس (همان، ص ۱۷۹) یا اینکه در ذیل بحث از آیه ۳۸ سوره روم درباره زکات می‌نویسد: آیه دلالت بر این دارد که فزونی ظاهری مایه برکت نیست و اصولاً متاع و بهره‌ای دنیوی فناپذیر است و اموالی که از حرام تحصیل شود بدون یمن است و به انواع بلایا و گرفتاری‌ها از بین خواهد رفت. ذیل (زبدة البیان، ص ۱۸۷)

۱. «ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و خرة و الله یعلم و انتم لا تعلمون» (نور، ۱۹).

۲. «و لا یأتل اولوا الفضل منکم و السعة ان یؤثوا اولی القربی و المساکین و المهاجرین فی سبیل الله و لیغفوا و لیصغخوا الا تحبون ان یغفر الله لکم و الله غفور رحیم».

۳. «یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلاة و انتم سُکاری حتی تعلموا ما تقولون و لا جنباً الا عابری سبیل حتی تغتسلوا و ان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیداً طیباً فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم ان الله کان عفواً غفورا» (نساء، ۴۳).

۴. «فات ذا القربی حقه و المسکین و ابن السبیل ذلک خیر للذین یریدون وجة الله و اولیک هم المفلسون» (روم، ۳۸).

۵. «لیس الیر ان تولوا و جوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن الیر من امن بالله و الیوم خیر و الملائکة و الکتاب و النبیین و اتی المال علی حبه ذوی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل و السائلین و فی الرقاب و اقام الصلاة و اتی الزکاة و المؤمنون یعهدهم اذا عاهدوا و الصابرین فی الباس و الصرءاء و حین التباس اولیک الذین صدقوا و اولیک هم المؤمنون» (بقره، ۱۷۷).

همین طور در ذیل بحث از آیه ۲۷۱ سوره بقره^۱ به این نکته که صدقه اگر به صورت پنهانی داده شود بهتر است و اداء صدقات موجب سقوط و از بین رفتن اثر پاره‌ای از گناهان بوده و کفار گناهان است که این امر تفضل خداوند است (همان، ص ۱۹۰) همین طور در ذیل آیات ۲۷۲ و ۲۷۳ بقره^۲ اشاره می‌کند که صبر بر فقر و مجاهدت در راه خداوند و جلب رضایت او از صفات بارز مؤمنان و در حکم جهاد فی سبیل الله است. (همان، ص ۱۹۵ - ۱۹۴)

از وعید و تهدید و عدم محبت خدا، در ذیل آیات «إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُسْتَكْبِرِينَ» (نحل، ۲۳): «فَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» (نحل، ۲۹) دلالت بر تحریم استکبار و تکبر را استنباط می‌نماید (همان، ص ۳۴۷)، از عبارت «لِيَأْسَ التَّقْوَى» آیه ۲۶ اعراف دلالت آن بر خشیت از خداوند، ایمان به او... را استنباط می‌نماید (همان، ص ۷۰).

تلاش مقدس در ایجاد تقدس و تقوا و استفاده حداکثری از آیات و کلمات و عبارت برای بیان مطالب اخلاقی و دلالت‌های اخلاقی آیات را در جای جای زبدۃ البیان می‌توان به وضوح مشاهده کرد. رجوع به صفحات ۳۰، ۳۲، ۵۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۸۰، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۷۳، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۴، ۵۷۱، ۶۳۸، ۶۳۹ و... ایمن حقیقت را نمایان خواهد ساخت.

۳. پرداختن به موضوعات استحبابی مطرح شده در آیات

مطالبی که در قالب مستحبات به عنوان یکی از بخش‌های احکام و فقه از آن یاد می‌شود به دلایل مختلف از جمله تسامح در ادله سنن و یا عدم عقاب بر ترک آنها، احادیث (من بلغ) و... معمولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرند (ر. ک: حاشیه عروۃ الوثقی) و انسان هم بواسطه انجام ندادن آنها مورد مؤاخذة قرار نمی‌گیرد؛ لیکن اخلاق اسلامی حکم می‌کند این موارد نیز توجه شود. اما هم و غم مرحوم اردبیلی در تألیف و تصنیف خلاصه نمی‌شود؛ بلکه سیاه کردن صفحه‌های سفید و کلاس و کتاب را ایزاری برای خودسازی و صفای دل می‌داند. از این رو، همواره از کوزه نهادش طهارت و تقوا می‌تراود. فلذا به بحث واجب و مستحب به یک چشم نگریسته. از این رو یا در ذیل مباحث به بحث‌های مستحبات می‌پردازد که در جای جای زبدۃ البیان قابل مشاهده است؛ مثلاً در ذیل آیه «اهدنا الصراط المستقیم»

۱. «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (بقره، ۲۷۱).

۲. «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسُكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» * لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۷۳ - ۲۷۲).

با تفسیر صراط به دین اسلام یا عبادت خداوند بر این نکته تأکید می‌نماید که آیه بر طلب دعا و استحباب آن اشاره می‌نماید (زبدۃ البیان، ص ۶) و در ادامه نیز اشاره می‌نماید که نظم این سوره بر طریقه دعا کردن دلالت می‌کند و اینکه دعا باید بعد از یاد نام خدا، حمد و ثنا و عبادت او باشد (زبدۃ البیان، ص ۷) همین‌طور در ذیل آیه ۲۶ سوره اعراف^۱ به این نکته اشاره می‌کند که آیه اشاره به استحباب تجمل با لباس دارد (زبدۃ البیان، ص ۷۰) یا در ذیل آیه ۴۱ سوره نحل^۲ بر این نکته تأکید می‌نماید که آیه بر استحباب مهاجرت دلالت می‌نماید. (همان، ص ۳۱۸) (ن. ک: همان، ص ۶۱ و ۶۲ و ۱۱۷ و ۱۳۵ و ۱۷۹ و ۵۸۶)

گاهی نیز مقدس در زبدۃ البیان بخشی مستقل بخشی به نام مندوبات آورده و در ذیل آن بخش به تشریح مباحث مستحبی در ذیل موضوع مورد نظر می‌پردازد؛ مثلاً در ذیل بخش نماز در نوع ششم بخشی به نام مندوبات را آورده و مواردی نظیر نماز عید، قرائت قرآن همراه با استعاذه، نماز شب و... اشاره می‌کند (همان، ص ۱۰۰ - ۸۹): یا در ذیل بخشی با عنوان «النوع الرابع فی اشیاء من تواع النکاح» به تشریح مباحث مستحبی مربوط به ازدواج پرداخته است. (همان: ۵۷۸ - ۵۴۱) (ن. ر. ک: ص ۶۶۹، ۶۸۰)

۴. استناد به آیات اخلاقی

مقدس اردبیلی برای استدلال بر کلام خود و تأکید بر ضرورت توجه به احکام در موارد فراوانی و تقریباً در تمامی کتابها به آیاتی که بیشتر جنبه اخلاقی داشته و یا اینکه رنگ و بوی اخلاقی در آنها برجسته‌تر است استناد می‌نماید؛ از جمله این موارد می‌توان به آیه «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر/ ۹) اشاره کرد که وی در اثبات استنتاج خود (در ذیل آیه ۲۱۹ بقره^۳) مبنی بر انفاق کردن تا آنجا که قدرت و توانایی وجود دارد استفاده کرده است: یعنی بندگان خاص خداوند گر چه خود در فقر و مسکنت باشند دیگران را بر خویش رجحان نهند خود تحمل گرسنگی کرده و آنچه بدست آورند به دیگران دهند (زبدۃ البیان، ص ۱۹۹) یا در ذیل آیه شریفه «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا...» (نساء/ ۶۳) که در ذیل آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر و بر ضرورت حسن خلق و عدم خشونت ورزی در امر به معروف اشاره دارد، می‌نویسد:

۱. «يا بني آدم قد أنزلنا عليكم لباساً يواري سوءاتكم و ريشاً و لباساً التقوى ذلك خير ذلك من آيات الله لعلهم يدكرون» (اعراف، ۲۶).

۲. «و الَّذِينَ هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبؤتهم في الدنيا حسنة و لأجر خيرة أكبر لو كانوا يعلمون» (نحل، ۴۱).

۳. «يسئلتك عن الخمر و الميسر قل فيهما إثم كبير و منافع للناس و إثمهما أكبر من نفعهما و يسئلتك ما ذا ينفقون قل العفو كذلك يبين الله لكم آيات لعلكم تتفكرون» (بقره، ۲۱۹).

«... آیه، بر به کارگیری ملایمت و حسن خلق و عدم خشونت در امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارد حتی اگر فاعل منکر، کافر باشد (همان، ص ۶۸۹) و در ادامه برای استدلال بر گفته خود به فرمان خداوند به موسی و هارون در نحوه برخورد با فرعون اشاره می‌نماید:

﴿أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ. فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾ (طه/ ۴۴)

و می‌نویسد:

این آیه شریفه، نهایت مبالغه و سفارش در خوش خلقی و عدم غلظت و غضب، فهمیده می‌شود. (همان، ص ۶۸۹)

همچنین در ذیل آیه ۹۲ سوره نساء^۱ (کتاب جنایات) که درباره قتل مؤمن و کفاره آن سخن به میان آمده است؛ برای اینکه بر ضرورت عفو و گذشت در گرفتن خونبها و برتری آن تأکید نماید به آیه ۲۸۰ بقره ﴿وَإِنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ استناد می‌نماید (زبدة البیان، ص ۶۷۶) یادزدیل آیه ۴۰ و ۴۱ سوره شوری^۲ در تشریح احکام قصاص و حد و حدود آن در تأکید بر عفو و بخشش و اغماض از قصاص به آیات ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ (فصلت، ۳۴)؛ ﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (شوری، ۴۳)؛ ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ * وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ * إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ (نحل، ۱۲۸ - ۱۲۶) اشاره می‌نمایند (همان، ص ۶۸۰)؛ یا در تشریح احکام خمس در ذیل آیه ۴۱ سوره انفال^۳ برای تأکید بر ضرورت انفاق از دارایی‌ها و بشارت خداوند بر عذاب کسانی که گنج‌ها و طلاها را ذخیره می‌کنند و به مستمندان انفاق نمی‌کنند به آیه ﴿... وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (بقره، ۳۴) اشاره می‌نمایند.

مقدس در بحث از احکام دین و توابع با اشاره به آیه ۲۸۲ بقره^۴ به ضرورت گرفتن سند و نوشتن آن توسط فردی عادل اشاره می‌کند و با استدلال به اینکه فرد عادل را خداوند متعال او را عالم ساخته است

۱. ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ قَدِيمَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء/ ۹۲).
۲. ﴿وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةً مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْزُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَ لَمَنْ اتَّصَرَ بِعَدُوِّهِ فَأُوْلَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ﴾ (شوری، ۴۱ - ۴۰).
۳. ﴿وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (انفال، ۴۲).
۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَكُتِبُوا فَكُتِبُوا وَ لِيَكْتَبَ بَيْنَكُمُ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَ لَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَ لِيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا...﴾ (بقره، ۲۸۲).

و در جواب این نعمت خداوند می‌بایست به کتابت سند بپردازد به آیه ﴿وَ أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ (قصص، ۷۷) استدلال می‌نماید (همان: ۴۴۳) یا در ذیل آیه ۲۵۴ بقره^۱ با اشاره به مفاد آیه که روز رستاخیز بجز اعمال خوب و اطاعت از اوامر خدا چیزی دیگر مفید نیست و نه دوستی و نه شفاعت به آیه ﴿الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ (زخرف، ۶۷) استناد می‌نماید (همان، ص ۲۰۰) همین‌طور در ذیل آیه ۹۲ سوره نحل^۲ در ذیل تشریح احکام امر به معروف و نهی از منکر درباره سخاوت که یکی از ویژگی‌های اهل بهشت و متقین می‌باشد به آیه ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ (حشر، ۹) اشاره می‌کند؛ یا در مورد کظم غیظ و فروبردن خشم در ذیل همین بحث اشاره می‌نماید و بر اساس تأکیدات قرآنی (آل عمران، ۱۲۸)^۳ آن را به منزله انفاق دانسته‌اند (همان: ۳۲، ن. ر. ک: ۶۷۴؛ ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۹ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ...)

۵. استناد به احادیث اخلاقی

احادیث ائمه معصومین به عنوان مبین و مفسر کلام خداوند نقشی مهم در فهم و درک دستورات دینی دارد. در زبده البیان تولی و تبری و عشق به خاندان رسول اکرم ﷺ بیش از هر مسأله کلامی جلوه گر است. مقدس در تبیین مطالب و استنتاجات خویش بسیاری از موارد به احادیث از جمله احادیث اشاره کرده است. مقدس در ذیل آیه ۹۲ سوره نحل^۴ در ذیل بحث امر به معروف و نهی از منکر می‌گوید:

از این آیه مستفاد می‌شود که بنای بهشت برای ورود متقین است و انفاق و بخشش در حال فقر و یا غنی دخالت دارد در اینکه انسان‌های فاسق وارد بهشت شوند و در اخبار بسیاری از بخل مذمت شده است و از سخاوت مدح حتی اهل بهشت به سخاوت مدح شده‌اند و توصیف تمجید و اهل دوزخ به بخل مذمت شده‌اند. حضرت علی علیه السلام فرمودند: که «الْجَنَّةُ دَارُ الْأَسْخِيَاءِ» است و فرمودند: «السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّارِ وَ انَّ الْبَخِيلَ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ» انسان سخی به خدا نزدیک است و به بهشت و به مردم و دور از دوزخ و بخیل دور است از خدا دور است از بهشت دور از مردم و نزدیک به دوزخ از بخیل (زبده البیان، ص ۳۲۴).

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَعْجَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَ الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره، ۲۵۴).

۲. «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ» (آل عمران، ۱۲۸).

۳. «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ أَنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غُفُورًا» (اسراء، ۲۵).

۴. «وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَصَّتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (نحل، ۹۲).

همین طور در ذیل آیه ۱۳۵ آل عمران^۱، ۳۴ نساء^۲ با تأکید بر ضرورت توبه و اینکه توبه کننده از گناه مانند کسی است که توبه نکرده است به حدیثی از پیامبر اکرم استناد می‌نماید: التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ (کافی جامع الحدیث) (همان، ۳۳۲ و ۵۳۷ و ۵۷۳). در قرآن مجید بارها از احترام به پدر و مادر سخن به میان آمده است و احترام به پدر و مادر از جمله خصوصیات اخلاقی نیک سیرتان است (جامع السعادات، ص ۴۲۰). مقدس با آگاهی از این موضوع و برای تأکید بر این موضوع در ذیل بحث از آیه ۸ سوره عنکبوت^۳ که پیرامون احسان به والدین است در تشریح جایگاه پدر و مادر و میزان اطاعت پذیری از آنها به حدیث «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» استدلال می‌نماید (زبدة البیان، ص ۵۷۳) یا در ذیل بحث از آیه ۱۵۲ سوره انعام پیرامون حد و حدود تصرف در مال یتیم با اشاره به آیات ۹۱ سوره توبه و ۶۱ سوره نور در تأیید بیانات خویش به روایت (أَنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَ الْمُؤْمِنِ، وَ أَنْ يَجْعَلَ نَفْسَهُ كَنَفْسِهِ، وَ مَا لَهُ وَ عَرَضُهُ كَمَا لَهُ وَ عَرَضُهُ، فِي حِفْظِهِ) استناد می‌نماید. (همان، ص ۳۹۶)

همچنین در بخش مکاسب در ضرورت دوری از ظلم و ظالم و نفی ستمگری در ذیل آیه ۱۱۳ سوره هود به روایات «مَنْ دَلَّ جَائِراً عَلَى جَوْرِ كَانَ قَرِيناً هَامِئاً فِي جَهَنَّمَ؛ مَنْ مَدَحَ سُلْطَاناً جَائِراً - أَوْ تَخَفَّ وَ تَضَعَّصَ لَهُ طَمَعاً فِيهِ كَانَ قَرِينَهُ فِي النَّارِ؛ مَنْ دَعَا لِظَالِمٍ بِالْبَقَاءِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ فِي أَرْضِهِ» استناد می‌کند. (همان، ص ۳۹۹ - ۳۹۸)

اشاره به حدیث «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» پیرامون ضرورت محاسبه حساب و اعمال ذیل آیه ۲۱ سوره رعد (همان، ص ۴۰۳)؛ اشاره به حدیث «من سنَّ سِنَّةً سَيِّئَةً فَلَهُ وَزْرٌ مِنْ عَمَلِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (از امام علی عليه السلام) پیرامون بحث از برخورداری انسان از نتیجه کارکرد خود در آخرت در ذیل آیات ۳۶ - ۳۹ سوره نجم) برای تأکید بر اصلاح اعمال (همان، ص ۴۱۸)؛ تأکید بر دوری از ظلم و ظالم با استناد به حدیث «من دعا لظالم بالبقاء فقد أحب ان يعصى الله في أرضه» (زبدة البیان، ص ۳۹۸) و... نیز از دیگر مواردی است که مقدس به وسیله آنها بر رعایت امور اخلاقی تأکید کرده است.

۶. پرداختن به موضوعات اخلاقی قرآنی

از جمله دیگر محورها و نموده‌های اخلاقی که در زبدة البیان مقدس اردبیلی می‌توان مشاهده کرد پرداختن به موضوعات و موارد اخلاقی در این کتاب است. مقدس هر جا که فرصت را مناسب دانسته از

۱. «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاجِئَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَصِرُوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران، ۱۳۵).

۲. «... وَ اهْجُرُوهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُمْ فَإِنْ أَطَعْتُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِمْ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً» (نساء، ۳۴).

۳. «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَ أَنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّتُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (عنکبوت، ۸).

موضوعات اخلاقی در پیرامون آیات نهایت بهره را برده و به تفصیل در باره آنها سخن به میان آورده است؛ به عنوان مثال می‌توان به تفسیر سوره حمد اشاره کرد. سوره حمد از جمله سوره‌های اخلاقی قرآن است که در آن اخلاق دعا و نیایش و طرز مناجات و سخن گفتن با او را به بندگان تشریح شده است (ر. ک: المیزان، ج ۱، ص ۱۵؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۷). مقدس برخلاف سایر تفاسیر آیات الاحکام در ابتدای کتاب خود از باب تیمن وتبرک به تفسیر این سوره پرداخته است در ابتدای بخش طهارت آورده است و به برخی نکات اخلاقی را که از هر آیه استنباط می‌شود اشاره کرده و تلاش کرده که به گونه‌ای ارتباط آن با آیات الاحکام و احکام مستخرج از آن را بیان دارد و اشاره می‌کند که در نظم و ترتیب سوره حمد، آموزش دعا هم وجود دارد و آن این که دعا باید بعد از بسم الله و حمد و ثنای الهی و چنگ زدن به عبادت باشد؛ چنان که متعارف چنین است و روایت هم در این باره وارد شده است (زبدة البیان، ص ۴). مقدس در بحث از حفظ حرمت والدین و عقوب آنها، در ذیل آیه ۲۵ اسراء^۱ به بحث مفصلی در رابطه با احسان به والدین و تشریح توضیح آن پرداخته و به نقل دیدگاه‌های مفسران در این باره پرداخته و به آیات و روایات مرتبط نیز اشاره می‌کند (زبدة البیان، ص ۳۸۲ - ۳۷۷) همین‌طور در ذیل بحث از عدم تصرف در مال یتیم در ذیل بحث از آیه ۱۵۲ سوره انعام^۲ در بخش مکاسب به تفصیل در باره نحوه برخورد با مال یتیم و شیوه مصرف آن اشاره می‌کند و بر این نکته تأکید می‌نماید که با توجه به مضمون آیه تصرف در اموال یتیمان و تباہ کردن آن از گناهان کبیره است (همان، ص ۳۹۵ - ۳۹۴).

وفای به عهد از فضایل مهم اخلاقی محسوب می‌شود و به عکس پیمان شکنی از بدترین ردایل اخلاقی است. لزوم وفای به عهد جزء سرشت و فطرت انسان است و به تعبیر دیگر از فطریات انکارناپذیر است (جامع السعادات، ص ۲۱۳). مقدس برای تأکید بر جایگاه وفای به عهد و پیمان و ضرورت آن در ذیل آیه ۲۰ سوره رعد^۳ به تشریح اقسام و سطوح مختلف آن می‌پردازد و ضمن بررسی و توضیح آن به آثار وفاداری و بی‌وفایی به عهد و پیمان در دنیا و آخرت می‌پردازد (همان، ص ۴۹۵).

مقدس در کتاب طهارت و در مطلع آن به ایمان و ملحقات آن، پرداخته و می‌نویسد که از آنجا که صحت و قبولی هر عبادتی متوقف بر ایمان و اعتقاد به خداوند است، پیش از وارد شدن به بیان آیات الاحکام، مناسب است به پاره‌ای آیات که در باره نقش ایمان در زندگی انسان است، اشاره شود و در ادامه به ذکر برخی از آیات قرآن و نقش ایمان در دستیابی انسان به کمال مطلوب اشاره می‌کند و با ذکر دیدگاه

۱. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَصَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَخَذُونَ آيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبُلُوكُمْ اللَّهُ بِهِ وَيَلَيْبَسَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (نحل، ۹۲).

۲. «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُوا نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعِّهْدُ اللَّهُ أَوْفُوا ذِكْرَكُمْ وَ صَاحِبَكُمْ بِه لَعَلَّكُمْ تُذَكَّرُونَ» (انعام، ۱۵۲).

۳. «الَّذِينَ يُوْفُونَ بَعْدِ اللَّهِ وَ لَا يَتَّقُونَ الْمِيثَاقَ» (رعد، ۲۰).

برخی از متفکران معتزله به بیان دیدگاه شیعه درباره معطوف بودن تمام عبادات به ایمان می‌پردازد و با آوردن آیات و احادیثی بر این موضوع صحنه می‌گذارد و در پایان این بخش متذکر می‌شود که آنجا که انجام دادن این گونه امور موجب رستگاری است و خود رستگاری هم واجب است، انجام دادن این اعمال نیز از باب مقدمه واجب است و اشاره می‌کند که دین مجموعه عقاید، اخلاق و اعمال است بنابراین خالص گردانیدن دین یعنی عقاید، افکار و خواست‌ها، تمایلات و نیت‌های خود حالات و روحیات و اخلاق خویش و اعمال و همه حرکات و سکنات خود را برای خدا خالص کنند، یعنی وجود خود را از افکار، عقاید، اخلاق و اعمالی که خدا دوست ندارد بپیرایند و آن گونه که خدا دوست دارد عمل کنند ایمانی که صحت عبادت مشروط به آن است (زبدۃ البیان، ص ۵) همین طور در ذیل بحث از احکام خمس و انفال و اختصاص اموال به خدا و رسولش و ضرورت تقوا و پیروی از خدا و رسولش در ذیل آیه ۱ سوره انفال^۱ به بحثی پیرامون ایمان ولوازم آن پرداخته و به شرایط تحقق آن از جمله خضوع و خشوع، خوف از عقاب، طمع در ثواب، پیروی از امر و نهی، توجه به آیات قرآن، توکل بر خدا و... اشاره می‌نماید (همان، ص ۲۱۴ - ۲۱۲). یکی از راه‌هایی که نیز می‌توان اعمال بد و گناهان را بین برد انجام فعل طاعات است. این امر هم در آیات و هم در روایات مورد توجه قرار گرفته است. مقدس با آوردن آیاتی چند از جمله (قصص، ۵۴؛ رعد، ۲۲؛ عنکبوت، ۴۵ این موضوع را مورد بررسی قرار داده است و با نتیجه‌گیری از این آیات بر این نکته تأکید می‌نماید که گناهکار بوسیله توبه از گناهان و انجام طاعات و اعمال نیک عملاً ندامت خود را از معاصی و گناهانی که انجام داده است بنمایاند (همان، ص ۴۰۵) هم چنین در ذیل بخش مکاسب به زهد در دنیا به آیات ۱۳۱ طه و ۸۸ حجر اشاره کرده و می‌نویسد از این آیات مستفاد می‌شود سعادت و خوشی این نیست که در دنیای فانی آدمی در رفاه و آسایش باشد بلکه زندگی حقیقی، زندگی جاویدان جهانی باقی است زیرا دنیا و بهره‌های آن در معرض زوال و فنا است علاوه بر آنکه از باب نعمت در روز رستاخیز باید پاسخگو و باعمال و اموال خود باشد که چه در راه مصرف کرده‌اند و از چه راه بدست آورده‌اند (همان، ص ۴۰۷ - ۴۰۶). مقدس در کتاب زکات نیز در تفسیر آیه ۲۷۱ سوره بقره به مناسبت عبارت «يَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ» (بقره، ۲۷۱) به بحث «احباط و تکفیر» پرداخته و به صورت تفصیلی اقوال مفسران در این باره را نقل کرده است (همان، ص ۱۹۱ - ۱۸۹) همچنین در کتاب مکاسب از آن حیث که ممکن است در معاملات به سخنان لهُو و یا غیبت درباره دیگران بیشتر پرداخته شود به فراخور بحث به سخنان لهُو و غیبت و تعریف آنها و استناد به آیات قرآنی

۱. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال، ۱).

متناسب پرداخته است (همان: ۴۱۴) و همین‌طور در کتاب بیع به بحث از ربا پرداخته و به آثار زیانبار دنیوی و اخروی آن اشاره می‌کنند (همان، ص ۴۴۰ - ۴۲۸)

پرداختن به مواردی نظیر دنیا و منشاء همه گناهان بودن آن (همان، ص ۴۳) صحت عبادات و ضرورت رعایت اخلاص آنها (همان، صص ۱۳۵ - ۱۳۲) تشریح ربا، سمعه و عجب در تمه بخش طهارت (همان، ص ۳۸۲) بیان ویژگی و صفات بندگان خدا در ذیل آیات ۷۵ - ۶۳ سوره فرقان (همان، ص ۴۱۱ - ۴۰۷)؛ تفصیل عفو و گذشت در ذیل آیات ۳۵ - ۳۳ سوره فصلت (همان)؛ تشریح سوء ظن، مذمت هجو مؤمنان، غیبت و بدگوئی و اشاره به تقوا به عنوان ملاک برتری افراد در ذیل آیه ۱۲ حجرات (همان، ص ۴۱۶ - ۴۱۸)، تشریح برخورداری انسان از نتیجه اعمال خویش در قیامت (ذیل آیات سوره نجم ۴۱ - ۳۰) (همان: ۴۱۸)؛ صبر بر تکالیف در ذیل آیات ۷۱ و ۷۰ سوره مدثر (همان: ۴۲۱) مدح اطعام مومنان فقیر و تأکید بر توجه اسلام به اطعام فقراء در ذیل آیات مدثر ۴۳ و ۴۴ (همان: ۴۲۳ - ۴۲۱) و... از جمله مصداق‌های موضوعات اخلاقی است که مقدس نیز در ذیل مباحث احکام به تشریح آنها پرداخته است.

۷. استفاده از قصه‌ها و امثال اخلاقی

دغدغه مقدس اردبیلی در تالیف و تصنیف خلاصه نمی‌شود؛ بلکه آن را ابزاری برای خودسازی و دگر سازی و افزایش معنویت می‌داند. از این‌رو، همواره از کوزه نهادش طهارت و تقوا می‌تراود و از این‌رو از هر فرصتی و از هر وسیله‌ای برای آمیختگی اخلاق با احکام و نشر، گسترش و تبلیغ آن دریغ نورزیده است، استفاده از قصه‌ها و داستان‌ها یکی دیگر از این موارد است.

گاهی قصه‌هایی که بیشتر جنبه اخلاقی آنها برجسته است را ذکر می‌کند و نتیجه مورد نظر را استخراج می‌کند و گاه از قصه‌هایی که حتی جنبه اخلاقی ندارند برای تأکید بر موضوعات اخلاقی استفاده می‌برد؛ به عنوان مثال در کتاب طهارت پس از ذکر آیه‌های ۷ و ۸ سوره مائده^۱ ضمن بحث درباره تقوا به نقل قصه فرزندان آدم، هابیل و قابیل پرداخته و بر این نکته تأکید می‌نماید که قبولی اعمال منوط به تحصیل تقوا و بی‌تقوایی و حسد و... را مانع پذیرش اعمال می‌داند؛ (زبدة البیان، ۲۲). مقدس اردبیلی با پرداختن به داستان بخشیدن افطار خانواده امام علی علیه السلام بر مسکین، یتیم و اسیر با وجود شدت نیاز با آن و نزول سوره «هل اتی» در شأن این خانواده در ذیل آیات ۴۴ و ۴۵ سوره مدثر^۲ و آیه ۳۴

۱. «و اذکروا نعمة الله علیکم و میثاقه الذی واتقکم به إذ قلتم سمعنا و اطعنا و اتقوا الله ان الله علیکم بذات الصدور* یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمکم شأن قوم علی الا تغدولوا اغدولوا هو اقرب للثقی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون» (مائده، ۸ - ۷).

۲. «و لم نک نطعم المسکین* و کنا نحوض مع الخائضین» (مدثر، ۴۵ - ۴۴).

سوره حاقه^۱ به ضرورت و اهمیت انفاق و مدح و ستایش انفاق اشاره می‌نماید (زبدۃ البیان، ص ۴۲۳ - ۴۲۱) همچنین با تأکید بر این نکته که انسان می‌باید همواره بر خوف عظیم باشد به داستان حضرت یونس و ترک اولی توسط وی و گرفتار شدن در شکم ماهی اشاره می‌نماید و می‌گوید:

وقتی چنان بلایی به سر آن حضرت آمد، با آنکه کارش ترک اولی بود، پس در باره ما چه می‌پنداری؟ مگر آنکه به خاطر بی‌لیاقتی و بی‌اعتباری، خداوند به ما چندان توجهی نکند و به حال خود رها سازد؛ و از همین هم به خدا پناه می‌بریم (همان، ۳۵۵ - ۳۵۲). مؤلف زبدۃ البیان برای تأکید بر ضرورت نیکی به نزدیکان و اولویت آنها بر دیگران به نقل داستانی از کشف می‌پردازد و بیان می‌دارد که مردمی از اهل خراسان به محضر پیامبر اکرم ﷺ شرفیاب شدند و حضرت به آنها امر کرد که از خدا بترسید و به دیار خود برگردید و بدانید که بنده اگر همه احسانات را بکند و دارای مرعی باشد که که با او بدرفتاری کند از نیکوکاران محسوب نخواهد شد (زبدۃ البیان، ص ۴۰۳).

تأکید بر صبر بر مصیبت‌ها و ضرورت دعا کردن با اشاره به داستان حضرت ایوب علیه السلام، (همان، ص ۳۵۴)، استغفار به درگاه خداوند و ضرورت آن، جواز نقل رؤیا و صحت آن، جواز نصیحت کردن دیگران، حفظ حرمت‌ها جواز گریه بر محبین و دوستان، با اشاره به داستان حضرت یوسف و برادران (همان، ص ۳۳۷ و ۴۰۰ و ۴۰۱) و... نیز از جمله مواردی است که مقدس برای باز تعریف موضوعات اخلاقی و نیز تأکید و تذکر بر آنها استفاده کرده است.

تحلیل و بررسی

با بررسی محورهای اخلاقی مورد توجه در تفسیر و توضیح آیات الاحکام و نیز مقایسه آن با سایر تفاسیری که در این زمینه تألیف شده است می‌توان به این نتیجه دست یافت که مقدس در حجم عظیمی از این کتاب به بیان اخلاق و مسائل اخلاقی پرداخته است؛ به گونه‌ای که در کمتر کتب فقهی چنین رویکردی را می‌توان ملاحظه کرد.

در تحلیل دلایل توجه مقدس به این جنبه از احکام و توجه به موضوعات اخلاقی و بیان آنها در هنگام بیان تفسیر آیات الاحکام دلایل مختلفی دخیل بوده‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - ضرورت جامع‌نگری موضوعات اسلامی

یکی از ویژگی‌های قرآن در بیان احکام، به هم پیچیدگی احکام فقهی در میان مباحث اعتقادی، اخلاقی و جهان بینی های قرآنی است در قرآن گاه مسأله با حکم فقهی شروع می‌شود، آنگاه به سراغ

۱. «وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ» (الحاقه، ۳۴).

نتیجه و پاداش آن می‌رود؛ گاه یکباره آن مساله را کنار می‌گذارد، به سراغ مسائل اعتقادی می‌رود و نتیجه اخلاقی می‌گیرد. باز دوباره همان مساله را دنبال و فرع دیگری از حکم را مطرح می‌کند (فقه‌پژوهی قرآنی، ص ۳۶) از طرفی دیگر بسیاری از گزاره‌های اخلاقی در قلمرو گزاره‌های فقهی ورود پیدا کرده و باعث شده بسیاری از دستورات فقهی مبتنی بر احکام اخلاقی باشد و به گونه‌ای بسیاری از اعمال اخلاقی به صورت احکام فقهی درآمد است، و این زمینه تعامل و ارتباط این دو حوزه را فراهم کرده است؛ و همین‌طور سایر گزاره‌ها نیز چنین وضعی دارند و در حوزه دیگری ورود پیدا کرده‌اند.

با این اوصاف مفسر قرآن و مفسر آیات الاحکام الزاماً می‌بایست تنها فقط به بیان احکام نپردازد و در کنار تشریح احکام، بیان این مسائل را نیز مد نظر قرار دهد زیرا مسائل دین در هم تنیده و به هم مرتبط بوده و با هم و در کنار هم و با توجه به همه آنها، زمینه رشد و تعالی و سعادت‌مندی انسانی را فراهم می‌شود؛ به بیان دیگر و قوام و اجرای احکام بر اخلاق استوار است و اخلاق به عنوان یک بازوی قوی قدرتمند زمینه اجرای احکام و عمل به آنها را فراهم می‌سازد و این موضوع هم درباره مسائل اعتقادی و کلامی نیز صادق است. مقدس در تفسیر آیات الاحکام به این موضوع توجه داشته و در ضمن بیان احکام به مسائل اخلاقی و اعتقادی نیز پرداخته و آنها را در لابه‌لای تبیین احکام نیز مطرح کرده و گاهی نیز ارتباط آنها با آیات الاحکام را نیز تبیین کرده و این یک اصل است که هر مفسری با این سبک و سیاق به تبیین آیات الاحکام و سایر حوزه‌های دین بپردازد و هر چه بیشتر به این شیوه نزدیک شود بهتر می‌تواند تأثیرگذاری بیشتری برای فراهم ساختن حرکت فرد مسلمان در مسیر تعالی روحی و معنوی ایجاد کند.

بنابراین اگر مؤلف زبده‌البیان در کنار تفسیر آیات الاحکام به بحث از اخلاق و عقاید هم پرداخته در واقع این اصل را مد نظر قرار داده و این یک کار ممدوح و قابل ستایش است.

۲- برخورداری از بعد معنوی و روحی (ویژگی‌های اخلاق و روحی برجسته)

نگاهی به زندگی این رادمرد فرزانه و وقایع و کراماتی که از ایشان نقل کرده‌اند و نیز نظر به کتب و رسائل علمی - تحقیقی آن بزرگوار، گویای این حقیقت است که محقق در عین حال که ضرب‌المثل زهد و پرهیزکاری و تقواست، نیز، از محققان و فحول علما و فقهای شیعه است. او، هم «مقدس» است و هم «محقق» و به عبارت دیگر در دو سنگر علم و فضل و قدس یعنی تحقیق و تقدس مبارز بوده است. در باره او می‌گویند:

حال او در وثاقت و جلالت و فضل و نبالت و زهد و دیانت و پارسایی و امانت مشهورتر از آن است که ما به آن برسیم و یا به وصف درآوریم. چگونه این کار ممکن است، در حالی که

قداست ذات و ملکوتی بودن صفاتش از مواردی است که در عالم بدان مثال زنند همانند اخلاق ذاتی نکوی پیامبر و شجاعت وصی پیامبر و بخشندگی حاتم طائی (تاریخ العلماء، ص ۳۳).

از آنجا که مقدس اردبیلی علاوه بر بحث علمی و تفسیر آیات، به فکر تهذیب و تربیت جان‌ها هم بود، در موارد زیادی مطالب اخلاقی را به میان می‌آورد. گویا بیش از آنکه در قید تنظیم کتاب و ترتیب فصول باشد، به فکر انسان‌سازی است و تهذیب و تربیت انسان‌ها را به عنوان یک هدف مد نظر قرار داده بودند. کما بیش قدمای هم چنین شیوه‌ای را داشته‌اند. به عنوان نمونه ابوجعفر احمد بن ادریس حلی - رحمه الله -، گذشته از آنکه مستطرفات را پایان‌بخش سرائر قرار داده، استطراداً در متن کتاب نکات اخلاقی هم دارد.

بنابراین اگر کسی به دنبال تربیت اخلاقی - انسانی باشد، قطعاً از هر فرصتی برای بیان مطالب اخلاقی استفاده می‌کند. حال چه در ذیل بحث‌های اصولی باشد و یا چه در حال بیان احکام باشد و چه با رفتار عملی خود و... برای چنین افرادی محدود شدن در حصار قواعد و چارچوب و مقررات موضوعیتی ندارد. به خصوص که اگر این امورات در وجود آنها نهادینه شده باشد و خود تجلی گاه عملی به آنها باشند. بعد علمی مقدس تا حدودی تحت الشعاع بعد معنوی وی قرار گرفته است. محدث بزرگ نوری بر این امر اذعان نموده و می‌نویسد:

شجره علم و تحقیقات این عالم ربانی و فقیه محقق صمدانی ربّانی، زیر انوار قدس و زهد و خلوص و کراماتش مدفون مانده است. (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۲)

وقتی درباره او گفته می‌شود که در طول چهل سال از او کار مباحی هم سر نزد، چه رسد به حرام و مکروه (منتخب التواریخ، ص ۱۹۶؛ سیمای فرزندانگان، ص ۱۰۶) سرگرمی او به تهذیب و تربیت چنان مؤثر بود که جانها را زیر و رو می‌کرد. بی‌جهت نیست که عنوان «مقدس» به عنوان یک صفت برجسته برای وی مشهور گردید و الحق زینده مقام و مرتبه معنوی بالای وی است؛ اهتمام ایشان به مسائل معنوی و اخلاقی به قدری بالا بود که حتی شاگردان مکتبش از او تأثیر پذیرفته و درصدد اختیارگزینی مشرب وی بودند. یکی از دست پروردگان مقدس، ملا عبدالله شوشتری رحمته الله در مقام موعظه به فرزندش می‌گوید:

فرزندم! از آن هنگام که اساتیدم دستور دادند: به رای خودت عمل کن و اجازه اجتهادم دادند، تاکنون، مرتکب کار مباح و مکروه نشده‌ام، حتی در مورد خوردن، آشامیدن، خواب و... (سیمای فرزندانگان، ص ۱۰۶)

وقتی چنین کسی این‌گونه به دستورات دینی اهتمام دارد و حتی مستحبات را رعایت می‌کند چطور می‌توان گفت که نسبت به این امور بی‌تفاوت باشد و به آنها نپردارد؛ بنابراین البته اگر با دقتی در این



کتاب نگریسته شود مشاهده می‌شود مقدس از هر فرصتی برای تشریح مباحث اخلاقی بهره گرفته است و طبعاً تا کسی خود متخلق به این امور نباشد نمی‌تواند به این میزان به این امور توجه و اهتمام داشته باشد همین امر می‌تواند به عنوان یکی از دلایل توجه به مسائل اخلاقی بیان شود.

۳- ضرورت اشاره به برخی از مباحث اخلاقی (توقف برخی از احکام بر مبانی اخلاقی)

وجود ملاکات اخلاقی در احکام فقهی و ورود بسیاری از گزاره‌های اخلاقی در قلمرو گزاره‌های فقهی باعث شده که بسیاری از دستورات فقهی مبتنی بر احکام اخلاقی گردد؛ به گونه‌ای که بسیاری از اعمال اخلاقی به صورت احکام فقهی درآمد است، از جمله دلایل دیگر که می‌توان به عنوان دلایل مقدس به اخلاق و پرداختن به آنها در ذیل مباحث فقهی اشاره کرد ضرورت پرداختن به برخی از مباحث بوده است؛ به عنوان مثال بیان می‌دارد از آنجا که صحت عبادت متوقف بر ایمان است به بحث از ایمان و معنا و مصادیق آن می‌پردازد. (زبدة البیان، ص ۴)

همین طور در کتاب طهارت پس از ذکر آیه‌های ۷ و ۸ سوره مائده، به نقل قصه هابیل و قابیل پرداخته و با این استدلال که شرط قبولی اعمال تقوا است، به بحث از تقوا، اسباب و لوازم آن می‌پردازد (همان، ص ۲۲) همچنین در اواخر باب امر به معروف و نهی از منکر، از آنجا که یک فرد آمر و ناهی نیازمند شناخت آداب امر و نهی و شیوه تبلیغ دارد به موعظه و نقل آداب امر و نهی و شیوه تبلیغ و سرگذشت انبیا - علیهم‌السلام - می‌پردازد (همان: ۳۶۰ - ۳۴۷) همچنین با اشاره به آیه ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْغَفُونَ﴾ (روم، ۳۹) اشتراط اخلاص را استنباط می‌نماید و می‌نویسد از آنجا که شرط انفاق شرط قبولی آن، اخلاص است به بحث از اخلاص در عمل پرداخته و به بحث درباره اخلاص و لوازم آن می‌پردازد. همینطور اگر آیات قصاص را مطرح می‌کند و به عفو گذشت در آیه اشاره شده می‌بایست به ایثار و گذشت اشاره کرده و به آن بپردازد و... .

این موارد و سایر موارد باعث شده مقدس برای اینکه زوایای مطالب و احکام به درستی و روشنی تبیین شود نماید و به اخلاق و موضوعات اخلاقی نیز بپردازد و این می‌تواند به عنوان یکی از دلایل توجه مقدس به مسائل اخلاقی مد نظر قرار گیرد.

۴- شرایط زمانه

شاید حوادث سیاسی آن روزگار بر اثر جنگ‌های ایران و عثمانی، گرمی تنور ولایت در اصفهان، سختگیری مخالفان تشیع در خارج ایران نظیر اقداماتی که به شهادت علمای بزرگ شیعه انجامید، در اتخاذ چنین رویکردی بی‌تاثیر نبوده است؛ بازار صوفی‌گری و انحرافات در جامعه رواج پیدا کرده بود و برای مبارزه با آنها می‌بایست معارف الهی در بهترین شکل و قالب، توأم با لطافت و اخلاق بیان می‌شد از طرفی حوزه

نجف بعد از شهادت شهید ثانی در سکوتی عجیب فرو رفته بود و نیازمند به یک حرکت انقلابی برای رونق درس و بحث داشت. تکیه بر مسائل اخلاقی و تبلیغ آنها کوتاه‌ترین راه را برای تحقق این هدف فراهم می‌آورد. و مقدس از هر فرصتی برای بیان معارف حقیقی دریغ نکرده‌اند و لذا با توجه به این شرایط به این مباحث نیز پرداخته است.

۵- ایجاد جذابیت و فهم بهتر و زمینه سازی برای عمل به احکام

استفاده از مطالب متنوع و بیان مطالب به شیوه‌های مختلف متن را از یکدستی و خشکی خارج کرده و از ایجاد مرارت و خستگی در خواننده جلوگیری می‌کند. هنر نویسنده آن است که با درهم چیدن مطالب مختلف و متنوع متن را از حالت یکدستی و یکپارچگی خارج کند. همین‌طور اخلاق به عنوان یک بازوی قدرتمند زمینه را برای اجرای تعالیم شرعی و قانونی اعم از عبادات و معاملات و احکام و قوانین مدنی و اجتماعی فراهم می‌آورد (ساختار گزاره‌های اخلاقی، ص ۳۰۸) و پرداختن به اخلاق در کنار بیان احکام می‌تواند زمینه مناسبی برای ایجاد تنوع و جلوگیری از خستگی و ایجاد ترغیب برای توجه و عمل به احکام فراهم سازد و این نیز می‌تواند به عنوان دلیلی دیگر در توجه مقدس به بیان مطالب اخلاقی مورد اشاره قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

با بررسی تفسیر زبده البیان مقدس اردبیلی و سنجش میزان توجه به اخلاق در بیان احکام می‌توان به این نکته پی برد که وی در حجم وسیعی به اخلاق موضوعات اخلاقی توجه کرده و با اتخاذ رویکردی اخلاق مدارانه، اشاره به دلالت‌های اخلاقی آیات، استفاده از آیات و احادیث اخلاقی، تفسیر و توضیح موضوعات، استفاده از قصه و امثال اخلاقی این موضوع را نمایان کرده است. در تحلیل اتخاذ چنین رویکردی می‌توان به عواملی نظیر به هم پیچیدگی اخلاق و احکام، برخورداری از روحیه معنوی بالا، ضرورت رجوع به برخی از مبانی اخلاقی، شرایط زمانه و ایجاد جذابیت و زمینه‌سازی برای عمل به احکام اشاره کرد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- اخلاق ناصری، طوسی، خواجه نصیرالدین، شیراز، علمیه اسلامیہ، بی تا.
- ادوار فقه، شهابی، محمود، تهران، چاپ پنجم، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۵.
- اصطلاحات الاصول، مشکینی، علی، قم، چاپ پنجم، الہادی، ۱۳۷۱.
- الامل الامل، عاملی، شیخ حر، نجف، مکتبه الآداب، بی تا، ج ۲.
- اندیشه سیاسی محقق اردبیلی، خالقی، علی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- آیات الاحکام، شانه چی، کاظم مدیر، تهران، سمت، ۱۳۹۱.
- بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر، تهران، اسلامیہ، بی تا.
- البرهان فی علوم القرآن، بحرانی، سید هاشم، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۲.
- تاریخ العلماء عبر العصور المختلفة، حکیمی، محمدرضا، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۳ ق.
- تہذیب الاخلاق و تطہیر الاعراق، ابن مسکویہ، احمد بن یعقوب، چاپ پنجم، قم، بیدار، ۱۳۷۱.
- جامع السعادات، نراقی، ملا مہدی، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، خرمشاهی، بہاء الدین، تهران، دوستان و ناہید، ۱۳۷۷، ج ۲.
- الذریعہ إلى تصانیف الشیعہ، آقا بزرگ طہرانی، محمد محسن، قم، نشر معارف،
- روضات الجنات، خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، قم، اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰.
- رہ توشہ عتبات عالیات، جمعی از نویسندگان، تهران، چاپ دوم، شعر، ۱۳۸۵،
- ریحانہ الادب، تبریزی مدرس، محمد علی، بی جا، طبع کتاب، ۱۳۳۱، ج ۴،
- زبده البیان فی الاحکام القرآن، مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، تصحیح و تحقیق محمد باقر بہبودی، تهران، المکتبۃ الجعفریہ، بی تا.
- ساختار گزارہ های اخلاقی قرآن، مہدوی کنی، صدیقہ، تهران، چاپ دوم، دانشگاه امام صادق علیہ السلام، ۱۳۸۸.
- سیمای فرزندگان، مختاری، رضا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- صحیفہ نور، خمینی، روح اللہ، ۱۳۸۵.
- الطبقات الکبری، ابن سعد، محمد، بیروت، در الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵، ج ۲.
- فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاہیر آن، حسینی شوشتری، علاء الملک، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، بی جا، انجمن آثار ملی، بی تا.

- الفقه الاسلامی و ادلتہ، الزحیلی و ہبہ، دمشق، چاپ سوم، ۱۴۰۹.
- فقه پژوهی قرآنی، ایازی، سید محمد علی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
- فقه و فقہای امامیہ در گذر زمان، ربانی، محمد حسین، تہران، بین الملل، ۱۳۸۶.
- فلسفہ حقوق، کاتوزیان، ناصر، تہران، دانشگاه تہران، ۱۳۵۲.
- الفہرست فی اخبار العلماء المصنّفین من القدماء و المحدثین و أسماء ما صنّفوه من الكتب، ابن ندیم، محمد بن اسحاق، لندن، الفرقان، ۱۴۳۰ ق.
- کلیات علوم اسلامی، مطہری، مرتضیٰ، قم، چاپ بیست و ہفتم، صدر، ۱۳۸۱.
- کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، الہندی، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، تصحیح صفوہ السقاء، بیروت، مکتبہ التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ ق.
- مبادی اخلاق در قرآن، جوادی آملی عبداللہ، قم، اسراء، ۱۳۷۸.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی فضل بن حسن، تہران ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- مستدرک الوسائل، نوری، میرزا حسین، قم، موسسہ آل البيت، ۱۴۰۷، ج ۳.
- مقدمہ ای بر فقه شیعہ، مدرسے طباطبائی، حسین، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- منتخب التواریخ، خراسانی محمد ہاشم تہران، جاویدان، بی تا.
- منتخب جامع السعادات، حیدری نراقی، علی محمد، قم، نراقی، ۱۳۹۰.
- المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبائی، سید محمد حسین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- نہج البلاغہ، شریف رضی، احمد بن حسن، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الہجرہ، بی تا.
- وسائل الشیعہ، عاملی، شیخ حر، قم، آل البيت، ۱۴۰۹ ق.

